



## درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶/ فروردین/ ۱۳۹۶

موضوع کلی: اوامر

مصادف با: ۷ رجب ۱۴۳۸

موضوع جزئی: مقدمه واجب - مباحث مقدماتی - واجب معلق و منجز -

بررسی وقوع واجب معلق در شرع

جلسه: ۸۰

سال هشتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### مروری بر جلسات گذشته

بحث درباره واجب معلق بود. در بحث از واجب معلق یک بحث، بحث امکان و استحاله این نوع از واجب است و بحث دیگر، بحث از وقوع این واجب بعد از ثبوت امکانش می باشد.

آن چه قبل از تعطیلات دروس به تفصیل مورد بحث قرار گرفت، بحث از امکان واجب معلق بود که آیا اساسا واجب معلق ممکن است یا مستحیل؟ چهار دلیل توسط محقق نهاوندی، محقق اصفهانی، محقق نایینی و از بعضی از مطالبی که محقق خراسانی در مقام پاسخ به بعضی اشکالات بیان کردند استفاده می شد، مبنی بر استحاله واجب معلق ذکر گردید و مورد اشکال قرار گرفت و معلوم شد که واجب معلق محال نیست.

### بررسی وقوع واجب معلق در شرع

بحث در این مقام پیرامون این است که آیا واقعا در شرع چیزی به نام واجب معلق وجود دارد یا خیر؟ یعنی در ادله، واجبی به این نحو وارد شده یا خیر؟

کسانی مانند مرحوم شیخ انصاری منکر وقوع این قسم از واجب در شرع شده اند. ایشان ضمن این که استحاله واجب معلق را قبول ندارند و قائل به امکان آن می باشند اما منکر وقوع واجب معلق در شرع نیز می باشند.

همانطور که قبلا بیان کردیم بحث امکان و استحاله واجب معلق یک بحث است و بحث پذیرفتن این واجب یا انکار این واجب بعد از التزام به امکانش یک بحث دیگر است و اینگونه نیست که این دو با هم ملازمه داشته باشند. یعنی این گونه نیست که اگر کسی قائل شد که واجب معلق وجود ندارد، لزوما قائل به استحاله باشد. به همین دلیل مرحوم شیخ انصاری و محقق خراسانی از کسانی هستند که واجب معلق را ممکن می دانند و نمی گویند واجب معلق محال است و التزام به واجب معلق سر از محال در می آورد؛ اما می گویند: در شرع چنین واجبی واقع نشده. پس قائل به امکان هستند اما در عین حال واجب معلق صاحب فصول را قبول نکردند. مثلا مرحوم شیخ انصاری که می فرماید: واجب معلقی که صاحب فصول می گوید همان واجب مشروط است. منتهی واجب مشروط بیان شده توسط ما در یک دامنه وسیع تر همان نقش را ایفاء می کند.

مسئله ای که از ناحیه برخی به عنوان نشانه و شاهد وقوع واجب معلق در شریعت ذکر شده است چند مورد است.

تقریباً سه قسم و سه نوع از واجبات را نام می‌برند و آن را دلیل بر وقوع واجب معلق در شرع می‌دانند و نقض بر قائلین به استحاله می‌شمارند. در واقع این نقض، به قائلین به استحاله یعنی محقق اصفهانی، محقق نایینی است که میگویند واجب معلق محال است، اما مستدل می‌گوید: در شرع واجب معلق واقع شده که از یک سو نقض به قائلین استحاله واجب معلق است و از یک سو دلیل و شاهی بر وقوع این قسم از واجب در شرع است.

### قسم اول: واجبات تدریجیه مقید به زمان

مانند روزه که یک واجب تدریجی است و وجوب همان طوری که به جزء اول از امساک تعلق می‌گیرد به جزء آخر امساک نیز تعلق می‌گیرد. یعنی از زمان طلوع فجر انسان باید امساک کند. این یک جزء از امساک است، امساک این آن، امساک آن بعد، امساک، آن سوم و آن چهارم.

اگر یک روز را به صدها لحظه تقسیم کنیم، وجوب به اجزاء مختلف امساک در هر آنی تعلق گرفته است. این در حالی است که هنگام فجر هنوز عصر نیامده و امساک عصر معنا ندارد اما در عین حال وجوب متعلق می‌شود به اجزاء مختلف امساک حتی جزء اخیر امساک و این چیزی جز واجب معلق نیست. چون وجوب فعلی است ولی واجب استقبالی. وجوب الان وجود دارد، روزه از همین اول فجر واجب است، امساک تمام نهار واجب است. پس وجوب الان هست. اما واجب کی می‌آید؟ امساک در اجزاء نهار هنوز نیامده. پس همان طور که مشاهده می‌شود بین وجوب و واجب جدایی است. یعنی وجوب الان وجود دارد اما واجب وجود ندارد و این چیزی است که در شریعت واقع شده است.

یا مثلاً نماز از اول وقت تا آخر وقت نیز یک واجب تدریجی است، مثل نماز ظهر و عصر که از ظهر تا نزدیکی غروب واجب می‌شود. اول وقت وجوب متعلق می‌شود به اجزاء نماز. اجزاء نماز از تکبیره الاحرام شروع می‌شود و به سلام ختم می‌شود. یعنی در حالی که هنوز وقت سلام نیامده، وجوب به آن تعلق گرفته ولی هنوز واجب محقق نشده است. یعنی زمانی که مکلف شروع به نماز می‌کند جزء اول واجب یعنی نیت یا تکبیره الاحرام را امتثال کرده ولی آن جزء آخر بعد از گذشتن اجزاء سابق یعنی تکبیره الاحرام و قیام و رکوع و سجود امتثال می‌شود. در مانحن فیه وجوب، وجود دارد ولی واجب یعنی آن جزء آخر نماز بعد از مضي تمام اجزاء سابق بر او تحقق پیدا می‌کند و لذا بین وجوب و واجب فاصله است. وجوب الان وجود دارد ولی واجب زمان دیگری تحقق پیدا می‌کند. پس در شرع واجب معلق واقع شده است.

### قسم دوم: واجبات تدریجی غیر مقید به زمان معین

مانند نماز در اثناء وقت. زیرا نماز گاهی در اول وقت است، گاهی در وسط وقت است، گاهی در آخر وقت. این قسم از واجبات تدریجی که مقید به زمان معینی نیستند نیز مانند صورت قبل می‌باشند یعنی در آن‌ها نیز از همان زمانی که مکلف ابتداء به آن واجب می‌کند وجوب متعلق به جزء اخیر از آن واجبات می‌شود.

### قسم سوم: واجباتی که مقدماتی دارند و تا آن مقدمات اتیان نشوند آن واجبات قابل اتیان نیستند

به طور مثال ذی المقدمه ای که مقدماتی دارد به محض وجوب ذی المقدمه، اتیان مقدمه نیز ضروری است و بدون اتیان آن امکان اتیان ذی المقدمه وجود ندارد. لذا از آن جا که واجب بعد از اتیان به مقدمه امتثال می‌شود بین وجوب و واجب فاصله افتاده.

این سه مورد هم دلیل بر وقوع واجب معلق خارجا هستند به این معنا که در شریعت واجب معلق واقع شده و هم نقض بر قائلین به استحاله معلق است. یعنی دو خاصیت دارد هم حرف کسانی را که واجب معلق را محال می دانند نفی می کند و هم حرف منکرین آن را. این سه مورد در حقیقت یک تیر و دو نشان هستند، به این معنا که هم سخن مثل محقق نایینی و محقق اصفهانی را که قائل به استحاله واجب معلق می باشند رد می کند و هم سخن مثل مرحوم شیخ انصاری و محقق خراسانی و بعضی دیگر را که می گویند: در شرع چیزی به نام واجب معلق وجود ندارد هر چند آن را ممکن می دانند. لذا این موارد هم نقض قول به استحاله واجب معلق می باشد هم رد کسانی است که واجب معلق را منکرند.

### **بررسی موارد سه گانه**

حال باید بررسی کرد که آیا این امثله و موارد می تواند نقض بر قول استحاله واجب معلق باشد؟ آیا می تواند شاهد بر وقوع وجوب معلق باشد؟ یعنی آیا این ها واقعا از مصادیق واجب معلق می باشند یا خیر؟ اگر این موارد را بررسی کنیم و توجیه و محملی برای این ها درست کنیم، قابلیت نقض استحاله واجب معلق و نیز انکار آن سلب می شود.

هم محقق نایینی و هم محقق اصفهانی در صدد توجیه این موارد بر آمدند و می فرمایند: این موارد اساسا نقض واجب معلق نیست. لذا اگر نقض بر استحاله نباشد و بتوانیم محمل و توجیهی برای این موارد بیان کنیم دیگر شاهد وجوب معلق در شرع نیز نیستیم. محقق نایینی و محقق اصفهانی این سه مورد را توجیه نموده اند و تقریبا در دو مورد توجیه ایشان مانند یکدیگر و در یک مورد توجیه ایشان با هم فرق می کند.

اگر خاطرتان باشد محقق نایینی شرط متاخر را نیز محال می دانست. ایشان قائل به عدم معقولیت شرط متاخر بود. یک بیانی نیز آن جا داشتند که آن را ذکر کردیم. همان طور که قبلا بیان شد، یک بحث در شرط متاخر این بود که آیا اصلا شرط متاخر معقول است یا خیر و محقق نایینی از کسانی بودن که اصلا شرط متاخر را معقول نمی دانست. مفصلا نظر ایشان را بیان و بررسی کردیم و همان جا برای شرط متاخر نقض هایی ذکر شده بود و ایشان همان جا آن نقض ها را پاسخ داد که تقریبا همین نقض ها است و ما قبلا به مناسبت آنان را ذکر کردیم. ما با بخشی که به شرط متاخر بر می گردد کاری نداریم و به همین بحث واجب معلق می پردازیم. در مورد واجبات تدریجی چه مقید به زمان باشند چه نباشند، به نظر محقق نایینی این ها اصلا نقض بر استحاله واجب معلق نیست بلکه یک مسئله دیگر است و این موارد دلیل بر این نیست که واجب معلق ممکن است.

### **کلام محقق نایینی**

#### **پاسخ محقق نایینی به دو قسم اول**

مورد اول و دوم تقریبا مانند یکدیگر می باشند و هر دو از واجبات تدریجی هستند. یعنی صوم و نماز در اثناء وقت که از واجبات تدریجی هستند منتهی یکی مقید به زمان معین است و یکی مقید به زمان معین نیست.

در این موارد محقق نایینی می فرماید: اگر واجب و شرطش تدریجی باشد قهرا فعلیت وجوب هم تدریجی می شود.

محقق نایینی مبنایی دارد که قبلا هم بیان شد، ایشان اساسا معتقد است که فعلیت حکم به فعلیت موضوع است و تا موضوع فعلی نشود حکم فعلی نمی شود. یعنی اول باید موضوع فعلیت پیدا کند، بعد حکم فعلیت پیدا کند. اگر موضوع فعلیت پیدا نکند وجوب هم فعلی نمی شود، مثلا جزء اخیر امساک که هنوز نیامده، این که مکلف باید آخرین جزء نهار را امساک کند ولی چون الان صبح است و جزء اخیر نهار که عصر یا غروب است بعدا می آید و امساک آن موقع واجب می شود، معنایش این است که خود واجب

تدریجی است. لذا خود وجوب نیز تدریجا وجوب پیدا می‌کند زیرا فعلیت حکم تابع فعلیت موضوع است. وقتی الان موضوعش نیامده وجوبی هم در کار نیست. بله زمانش که رسید مکلف باید جزء بعدی را هم امساک کند. لذا موضوع که فعلی شد امساک هم همان موقع وجوب پیدا می‌کند.

پس فعلیت وجوب تدریجی است، زیرا خود واجب تدریجی است لذا اصلا نقض استحاله نیست بنابراین واجب معلق محال است. یعنی بین وجوب و واجب فاصله نیست و این موردی که شما نقل کردید به عنوان نقض بر واجب معلق محسوب نمی‌شود زیرا شما قصد داشتید که موردی را مثال بزنید که وجوب الان باشد و واجب یک ساعت بعد یا روز بعد بیاید در حالی که ما می‌گوییم در این مثال‌ها بین وجوب و واجب فاصله نیست بلکه وجوب تا زمانی که خود واجب نیامده محقق نیست. زیرا فعلیت حکم یعنی وجوب تابع فعلیت موضوع است. موضوع تحقق پیدا کند حکم هم به همراه آن می‌آید، مثلا جزء بیستم نهار که باید در آن وقت امساک شود هنوز نیامده و چون نیامده امساکش هم هنوز وجوب ندارد چون موضوع تدریجی است وجوب هم تدریجی است.

### پاسخ محقق نایینی به قسم سوم

در واجباتی که متوقف بر مقدمه هستند قبل از مقدمه هنوز حکم ذی المقدمه فعلیت پیدا نکرده زیرا زمانی حکم فعلیت پیدا می‌کند که مقدمه اتیان شود. پس هنگامی که مقدمه در ظرف خودش تحقق پیدا کرد و موضوع در ظرف خودش محقق شد حکم نیز فعلیت پیدا می‌کند.

پس وقتی مقدمه ای که باید انجام شود تا مکلف به ذی المقدمه برسد، اتیان نشده باشد، در واقع هنوز موضوع حکم محقق نشده است. موضوع فعلیت پیدا نکرده، و زمانی که موضوع فعلیت پیدا نکرد حکم نیز فعلیت ندارد. پس الان وجوب محقق نیست که شما بگویید الان وجوب هست ولی واجب بعدا محقق می‌شود. لذا فاصله ای بین وجوب و واجب نیست.

### محقق اصفهانی هم به این موارد پاسخ داده است

در دو مورد اول پاسخ ایشان تقریبا مانند محقق نایینی است. اما در مورد سوم پاسخی دیگر دادند که در جلسه بعد به بیان آن می‌پردازیم.

### راه خروج از غفلت

امام صادق ع می‌فرمایند: «لَا بُدَّ لِلْعَبْدِ مِنْ خَالِصِ النَّيَّةِ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ وَ سُكُونٍ، لِأَنَّهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ هَذَا الْمَعْنَى يَكُونُ غَافِلًا»<sup>۱</sup>

این یک معیاری است برای تغییر موقعیت انسان به بهترین موقعیت‌ها با یک کار ساده.

ما به طور طبیعی بخشی از شبانه روز را صرف بر آورده شدن نیازهای طبیعی می‌کنیم مثل خواب و خوراک و پوشاک و استراحت و تفریح. طبیعی است گاهی در حال حرکت هستیم و گاهی در حال سکون هستیم. عده ای نیز به فراخور حال خود یا مطالعه می‌کنند یا تحقیق می‌کنند یا تدریس می‌کنند یا مثلا در یک جایی مشغول کسب در آمد برای امرار معاش و گذران زندگی هستند. کسی نمی‌تواند و قرار هم نیست که بندگی خدا را فقط در یک مکان خاص و در تمام ساعات شبانه روز قرار دهد. اصلا شدنی نیست، خود انبیاء هم این کار نمی‌توانند بکنند. این که از صبح تا شب در دیر و مسجد و خانقاه بتوانند عبادت کند و کاری دیگری انجام ندهند. بالاخره همان کسی که از صبح تا شب برای عبادت به مسجد می‌رود نیاز به خوردن و قضای حاجت دارد، نیاز به

<sup>۱</sup> بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۱۰، ح ۳۲.

خواهیدن دارد، پس نمی‌توانیم کسی را پیدا کنیم که به طور کلی در شبانه روز تمام حرکات و سکناش در حال بندگی و عبادت و به معنای اعمال خاص و مناسک خاص باشد.

طبق این روایت انسان می‌تواند کاری کند که از حالت غفلت به حالت بندگی در بیاید. منظور از حالت غفلت یعنی این که انسان درگیر امور زندگی شود و اصلاً غافل شود که هست و چه هست و باید چه بکند. با یک تصمیم ساده و در عین حال مهم انسان می‌تواند همه لحظات زندگی را از این حالت غفلت بیرون بیاورد و خودش را متوجه کند. به این معنا که در همه حالات کانه بندگی خدا را می‌کند و متوجه حضور خدا است و تسلیم خدا می‌باشد.

آن راه عبارت است از این که در هر حرکت نیتش را پاک کند، قصدش را پاک کند، «لابد للعبد من خالص النية» عبد باید در درون خودش نیتش را پاک کند و منظور از نیت پاک یعنی اگر کاری می‌کند، قصدش از انجام عمل یک قصد سالم باشد، مقصودش خدا باشد. زیرا اگر این نیت پاک نشود «اذا لم یکن هذا المعنی یكون غافلاً» یعنی مثلاً برای همین خوردن و خوابیدن بگویند می‌خورم برای این که مثلاً خدای نکرده قدرت پیدا کنم که فلان کار خلاف را انجام بدم. اما گاهی می‌گویند: می‌خورم برای این که بتوانم خودم را حفظ کنم تا بندگی خدا را کنم و مقرب خدا شوم.

رسول گرامی اسلام خطاب به اباذر می‌فرماید: «لَيَكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ صَالِحَةٌ حَتَّى فِي النَّوْمِ وَالْأَكْلِ»<sup>۱</sup>

نیت صالح داشته باش در هر چیزی حتی در خوابیدن و خوردن

انسان باید در هر چیزی توجه کند که این عمل را به چه مقصودی انجام می‌دهد و چه هدفی از آن دارد آیا همین طور بدون نیت آن را انجام می‌دهد و یا این که خدای نکرده نیت سوء دارد. همین اعمالی که از صبح تا شام از ما سر می‌زند را می‌توانیم با یک تامل کوچک در هر فعلی، با یک تغییر کوچک، درون خودمان را تصفیه کنیم و آن کار را انجام بدهیم و با انجام این تصفیه هر لحظه در حال تقرب به خدا هستیم. البته توجه به این مورد در همه حالات سخت است اما آدم می‌تواند این کار را انجام دهد و لازم نیست دنبال نسخه‌های عجیب و غریب بگردیم برای این که مسیر قرب به حق تعالی را پیدا کنیم و طی کنیم. همین کارهای عادی را با این نیت پیش ببریم. البته گاهی اوقات ما نه تنها این نیت را نداریم بلکه عکس این نیت را داریم. در سلام کردن، در نشست و برخاستن به هر حال خیلی اغراض دخیل است.

ان شاء الله بتوانیم بر اغراض خودمان مراقبت کنیم تا جزء غافلین نباشیم که این غفلت بدترین درد بشر است.

«الحمد لله رب العالمين»

<sup>۱</sup> مکارم الأخلاق، طبرسی، ص ۴۶۴.